

تاثیر تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سیامک عرب زاده

کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تهران، سرپرست ارشد موسسه حسابرسی تلاش ارقام (حسابداران رسمی).
a.siamak20@gmail.com

ناصر پرویزلو

مدرس دانشگاه، حسابرس ارشد موسسه حسابرسی تلاش ارقام (حسابداران رسمی). (نویسنده مسئول)
parvizlou@gmail.com

چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره دوم)
شماره ۲۳ / بهار ۱۳۹۹ (جلد سوم) / صص ۴۷-۵۸

چکیده

کیفیت گزارشگری مالی ملاک و معیار مهمی در تصمیم گیری صحیح سرمایه گذاران دارد و سهامداران با اتکا به گزارش های مالی اقدام به سرمایه گذاری بیشتر یا فروش سهام خود می کنند. عوامل متعددی می تواند موجب بهبود گزارشگری مالی گردد یکی از این عوامل، تخصص صنعت حسابرس می باشد. در پژوهش حاضر به بررسی تاثیر تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی از نوع تحقیقات علی (پس رویدادی) می باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که تعداد ۱۲۷ شرکت صنعت خودرو به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره ی زمانی ۶ ساله بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. روش مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای بوده و برای آزمون فرضیه ها از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. برای اجرای آزمونها و تخمین نهایی مدلها از نرم افزار استاتا نسخه ۱۵ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می دهد که تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت و معنادار دارد. یعنی در شرکتهایی که حسابرسی آنها توسط حسابرسان مختص در صنعت انجام می شود کیفیت گزارشگری به مراتب بالاتری نسبت به سایر شرکت ها دارند. **واژگان کلیدی:** کیفیت گزارشگری مالی، تخصص صنعت حسابرس، کیفیت حسابرسی.

مقدمه

ارایه اطلاعات با کیفیت از اهمیت فراوان برخوردار است چراکه اطلاعات با کیفیت اثر مساعدی بر تصمیمات مربوط به تامین مالی، انجام سرمایه گذاری، اعطای تسهیلات، سایر تصمیمات مرتبط با تخصیص منابع و در مجموع کارایی بازار و اقتصاد خواهد داشت (هیئت تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری، ۲۰۰۸). این امر، در کنار عواملی مانند معرفی مدل های اقلام تعهدی غیرعادی، تدوین استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی و توسعه پایگاههای داده، سبب جلب پژوهش های فراوانی به حوزه کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت) شده است (دی فاند^۱، ۲۰۱۰). گزارشهای مالی همواره باید برای کمک به کاربران در تصمیم گیری، اطلاعات قابل اعتمادی را ارائه نمایند. گزارش مالی بایستی در بردارنده اطلاعات مربوط، قابل اعتماد، قابل مقایسه و قابل فهم باشد (کاماروزمن و همکاران^۲، ۲۰۰۹). اما جانسون^۱ (۲۰۰۵)

¹ Defond

² Kamaruzaman et al

استدلالتش این است که یک گزارش سالانه هرگز نمیتواند کاملاً عاری از تعصب باشد زیرا وضعیت اقتصادی ارائه شده در گزارشهای سالانه به صورت مداوم تحت شرایطی که حاکی از عدم اطمینان است ارائه میگردد. برآوردها و فرضیات زیادی در گزارش وارد میگردند. اگرچه فقدان کامل تعصب قابل دستیابی نیست، اما برای اینکه این اطلاعات بتواند در تصمیم گیریها مفید واقع گردد، داشتن سطح معینی از دقت برای اطلاعات مالی گزارش شده ضروری است (هیأت استانداردهای بین المللی حسابداری، ۲۰۰۸). هر چه شرکتها درباره ارقام موجود در گزارشهای مالی صریحتر باشند میزان شفافیت نیز بیشتر خواهد بود. کیفیت گزارش مالی توسعه دادن شفافیت و انتشار گزارش سالانه باکیفیت از طریق افشای جامع و کامل میباشد. کیفیت گزارشهای مالی همواره موضوع مورد علاقه هیأت‌های مدیره، سهامداران، محققین و خود حسابداران حرفه ای بوده و هست. در سالهای اخیر موج رسوایی های حسابداری که در جامعه مالی بین المللی رخ داده است منجر به افزایش سوالات و نگرانیهایی در مورد کیفیت گزارشگری مالی شده است (براون و فالاجیتی و اورلاندو^۲، ۲۰۱۰). از طرفی، محققانی همچون کارسلو^۳ و همکاران (۱۹۹۵) و بیسلی و پترونی^۴ (۲۰۰۱) معتقدند که علاوه بر حسن شهرت، تخصص صنعت حسابرسان به طور مستقیم به اعتبار ارایه شده توسط حسابرسان کمک می کند. شواهد در ادبیات نظری حاکی از آن است که حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسانی اثر بخش تری را ارایه می کنند و تغییرات ساختاری در شرکت‌های حسابرسانی در جهت دستیابی به تخصص صنعت، حاکی از آن است که تخصص صنعت نقش مهمی را در کیفیت حسابرسانی بازی می کند.

حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند، به دلیل داشتن توانایی بیش تر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت، می توانند حسابرسانی را با کیفیت بیشتری انجام دهند. افزون بر این، هرچه موسسه حسابرسانی تجربه بیشتری در صنعت خاصی کسب کند، به دلیل افزایش حسن شهرت، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسانی با کیفیت برتر پیدا می کند (دان و می هیو، ۲۰۰۴). گراملینگ و استون (۲۰۰۱) استدلال کردند که تخصص حسابرسان در صنعت به سبب تکنولوژی بهتر حسابرسانی، کاهش هزینه‌های ناشی از مقیاس های اقتصادی و داشتن دانش بیشتر در آن صنعت باعث افزایش کیفیت حسابرسانی می شود. بعلاوه در در صنعت‌هایی که قوانین و مقررات سنگین وجود دارد، حضور حسابرسانی متخصص میتواند باعث افزایش رعایت قوانین خاص صنعت و یا الزامات گزارشگری توسط شرکتها و مشتریان گردد (آبدین و همکاران، ۲۰۱۰). اوکف و همکاران (۱۹۹۴)، نیز به این نتیجه رسیدند که تخصص حسابرسان در صنعت باعث افزایش کیفیت حسابرسانی می گردد. از این رو، میتوان استدلال کرد که در درون چارچوب کیفیت، تخصص حسابرسان در صنعت بهتر می تواند بیانگر یا انتقال دهنده کیفیت حسابرسانی باشد و در نتیجه منجر به افزایش سرعت گزارش حسابرسانی و به عبارتی منجر کیفیت گزارشگری مالی می گردد. با توجه به مراتب فوق پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال است که تاثیر تخصص حسابرسان در صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟

¹ Johnson

² Brown & Falaschetti & Orlando

³ Craswell, et al.

⁴ Beasley & Petroni

ادبیات و پیشینه پژوهش

هدف گزارشگری مالی فراهم آوردن اطلاعاتی است که آثار مالی معاملات، عملیات و رویدادهای مالی موثر بر وضعیت مالی و نتایج عملیات یک واحد انتفاعی را بیان و از این طریق سرمایه گذاران، اعطاء کنندگان تسهیلات مالی و سایر استفاده کنندگان برون سازمانی را در قضاوت و تصمیم گیری نسبت به امور یک واحد انتفاعی یاری دهد. یکی از اقلام حسابداری که در گزارش های مالی ارائه شده و به عنوان معیار ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری واحد انتفاعی قرار می گیرد، "گزارشگری سود" می باشد. محاسبه سود خالص یک واحد انتفاعی متأثر از روش ها و برآوردهای حسابداری است. از یک طرف بدلیل آگاهی بیشتر مدیران از شرکت، انتظار می رود بگونه ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند. از طرف دیگر بنابه دلایلی نظیر ابقاء در شرکت، دریافت پاداش و... مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دستکاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورت های مالی مغایرت خواهد داشت. صورت های مالی منبع اولیه اطلاعات مورد نیاز در بازارهای سرمایه است. اطلاعات این صورت ها باید از اعتبار منطقی برخوردار باشند. حسابرسان با ارزیابی مستقل صورت های مالی از صحت و بی طرفی اطلاعات مربوط به وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان وجوه نقد مندرج در این صورت ها و این که بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه شده اند گزارش می دهند و به صورت های مالی اعتبار می بخشند. بنابراین یکی از راه های موثر در کنترل دستکاری توسط مدیران و اعمال نظر های مدیریت در انتخاب رویه های حسابداری، حسابرسی می باشد در نهایت یک موسسه حسابرسی مستقل و با مهارت (با کیفیت بالا) قادر است که ارائه های نادرست حسابرسی را شناسایی و در راستای درست کردن آن ارائه های نادرست و گزارش اطلاعات مالی قابل اتکا بر صاحبکار خود تاثیرگذار باشد (چمبرز و پاین^۱، ۲۰۰۸).

از جمله استراتژی هایی که در حال حاضر در موسسات حسابرسی برای افزایش سطح سودآوری به کار برده می شود، افزایش سطح تخصص در صنعت صاحب کار است. منظور از تخصص حسابرس در یک صنعت، شامل خلق ایده های سازنده جهت کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحب کاران، هم چنین فراهم نمودن دیدگاه ها و راه کارهای تازه برای برخی از موضوع هایی است که صاحب کاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه می شوند (کند^۲، ۲۰۰۸).

افزایش سطح تخصص حسابرس در صنعت مشتری زمینه مناسبی را برای تامین نیازهای مختلف مشتریان فراهم می کند و به حسابرس اجازه می دهد تا استراتژی های متمایزی را برای ارائه خدمات به گروه وسیعی از مشتریان با ویژگی های مشابه ارائه کنند. فرگوسن و استاکز^۳ (۲۰۰۲) معتقدند که تخصص صنعت حسابرس باعث افزایش سهم بازار حسابرس در صنعت هدف می شود، زیرا مشتریان خواستار خدمات تخصصی حسابرسان هستند. بنابراین، سهم بازار حسابرس به عنوان یکی از نشانه های تخصص حسابرس محسوب می شود و با مشاهده سهم نسبی بازار موسسات حسابرسی که به یک صنعت خاص خدمات ارائه می کنند، می توان به میزان دانش تخصص صنعت حسابرس پی برد. میهو و ویلکینز^۴ (۲۰۰۳) بیان می کنند یک حسابرس زمانی متخصص است که بزرگ ترین سهم بازار را داشته باشد و یا سهم بازار آن ها حداقل ۱۰ درصد بالاتر از سهم بزرگ ترین حسابرس دوم باشد. آن ها برای محاسبه سهم بازار از نسبت حق الزحمه موسسه حسابرسی نسبت به کل حق الزحمه های حسابرسی در یک صنعت بهره گرفتند. برای محاسبه سهم بازار معیارهای دیگری نیز مثل تعداد مشتریان در یک صنعت، تعداد صاحب کاران حسابرس و یا مجموع دارایی های تمام صاحب کاران یک حسابرس به مجموع تمام دارایی های صاحب کاران در این صنعت وجود دارد (مورتون^۵، ۲۰۰۷).

¹ Chambers & Payne

² Kend

³ Ferguson and Stokes

⁴ Mayhew and Wilkins

⁵ Morton

محققانی هم‌چون کارسلو^۱ و همکاران (۱۹۹۵) و بیسلی و پترونی^۲ (۲۰۰۱) معتقدند که علاوه بر حسن شهرت، تخصص صنعت حسابرس به طور مستقیم به اعتبار ارایه شده توسط حسابرس کمک می‌کند. شواهد در ادبیات نظری حاکی از آن است که حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی اثر بخش‌تری را ارایه می‌کنند و تغییرات ساختاری در شرکت‌های حسابرسی در جهت دستیابی به تخصص صنعت، حاکی از آن است که تخصص صنعت نقش مهمی را در کیفیت حسابرسی بازی می‌کند.

کاردان و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که نوع اظهار نظر حسابرس با ارقام تعهدی اختیاری رابطه مستقیم دارد یعنی اینکه حسابرسی مستقل موجب کاهش استفاده مدیریت از ارقام تعهدی اختیاری می‌شود. اهرم مالی و اظهار نظر حسابرس با ارقام تعهدی اختیاری رابطه معکوس داشت، یعنی با افزایش اهرم مالی ارقام تعهدی اختیاری کمتری استفاده شده و اظهار نظر حسابرس به سمت مقبول سوق پیدا می‌کند. و همچنین نشان دادند که نوسانات سود و اظهار نظر حسابرس با ارقام تعهدی اختیاری رابطه نداشت.

عزیزپور (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی به این نتیجه رسید که بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثر ویژگیهای حسابرس بر کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت سود) پرداختند. از جمله ویژگیهای حسابرس که در پژوهش آنها مدنظر قرار گرفت، دوره تصدی و اندازه حسابرس بود. نتایج پژوهش آنها علیرغم وجود دو نظریه متضاد، مبنی بر وجود رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی، نشان از عدم وجود این ارتباط در بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. آنها علتی که ممکن است سبب این موضوع شده باشد را چنین بیان نمودند: ممکن است در برخی شرکتهای، دوره تصدی اثر مثبت و در برخی دیگر اثر منفی بر کیفیت گزارشگری داشته که در نتایج پژوهش که کل شرکتهای را بررسی می‌کند، یکدیگر را خنثی کرده‌اند. در این پژوهش بین اندازه حسابرس و کیفیت گزارشگری نیز هیچگونه ارتباط معناداری گزارش نشد.

مهدوی و رضایی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثرات کیفیت گزارشگری مالی بر سیاست تقسیم سود پرداختند نتایج آزمون آماری فرضیه‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که بین بخش اختیاری کیفیت ارقام تعهدی با پرداخت سود سهام رابطه مستقیم معناداری وجود دارد اما بین بخش غیراختیاری کیفیت ارقام تعهدی با پرداخت سود سهام رابطه معناداری وجود ندارد.

کریشنان و همکاران^۳ (۲۰۱۱) با بهره‌گیری از دو معیار کیفیت گزارشگری مالی - کیفیت ارقام تعهدی و ارقام تعهدی اختیاری - برای نمونه‌ای مشتمل بر ۱۰۰۰ شرکت روسی در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ دریافتند تاثیر مثبت کمیته حسابرسی بعد از تصویب قانون در مقایسه با قبل آن بیشتر است.

تندلو و استرایلین، ۲۰۰۸، برای بازار ایالات متحده نشان داد که مدیریت سود در شرکت‌هایی که توسط چهار حسابرس بزرگ حسابرسی شده‌اند پایین‌تر از شرکت‌هایی بوده که توسط غیر چهار حسابرس بزرگ حسابرسی شده‌اند. پس می‌توان انتظار داشت که، اندازه حسابرس با کیفیت حسابرسی رابطه مستقیم داشته و بین اندازه حسابرس و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود داشته باشد.

فردیناند و همکارانش (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان نقش دوره تصدی حسابرس و تخصص در صنعت حسابرس در کیفیت سود، نشان می‌دهند که دوره تصدی کوتاه‌تر با کیفیت سود پایین‌تر در ارتباط است. به این دلیل که حسابرسان دانش و تخصص کمتری نسبت به کار صاحب کار خود خواهند داشت. در این تحقیق این موضوع مورد آزمون قرار گرفته

¹ Craswell, et al.

² Beasley & Petroni

³ Krishnan et al

است که آیا تخصص در صنعت حسابرسان بر رابطه بین دوره تصدی حسابرسان و کیفیت سود تأثیر دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که، هر گاه تخصص در صنعت حسابرسان پایین باشد در آن صورت رابطه بین دوره تصدی حسابرسان بلندتر و کیفیت سود بالاتر قوی‌تر خواهد بود و بالعکس. پس می‌توان گفت دوره تصدی حسابرسان بلندتر موقعی همبستگی بالایی با کیفیت سود خواهد داشت که تخصص در صنعت حسابرسان پایین باشد؛ و همچنین موقعی که تخصص در صنعت حسابرسان بالاتر باشد در آن صورت رابطه بین دوره تصدی حسابرسان و کیفیت سود ضعیف‌تر می‌شود.

فرضیه پژوهش

فرضیه اول: تخصص حسابرسان در صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت دارد.

مدلهای رگرسیونی برای فرضیه پژوهش

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Instit_{it} + U_{it}$$

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی

در این پژوهش برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی، از مدل تعدیل شده جونز مبتنی بر ارقام تعهدی (ارائه شده توسط دچو، سلوان و سویینی، ۱۹۹۵) استفاده شده است زیرا این مدل قادر به حل مسأله پژوهش در دست می‌باشد. پارامترهای مدل جونز به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$\frac{TAC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = a_1 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + a_2 \left[\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right] + a_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

جایی که:

$TAC_{i,t}$: جمع ارقام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان های نقدی عملیاتی) در سال t در شرکت تحت مطالعه i

$TA_{i,t-1}$: جمع دارایی ها در پایان سال $t-1$

$\Delta REV_{i,t}$: تغییرات درآمد طی سال t الی $t-1$

$\Delta REC_{i,t}$: تغییرات حساب ها و اسناد دریافتی بین سال t الی $t-1$

$PPE_{i,t}$: مبلغ خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال t

$\varepsilon_{i,t}$: خطای رگرسیون

در این تحقیق این قدر مطلق خطای باقیمانده به عنوان نماینده کیفیت گزارشگری مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای بدست آوردن کیفیت گزارشگری مالی، از خطاهای مدل قدر مطلق گرفته و در عدد منفی یک ضرب شده است و عدد بدست آمده هر چقدر به صفر نزدیک‌تر باشد نشان دهنده‌ی کیفیت گزارشگری مالی بالاتر است و هر چقدر به منفی یک نزدیک‌تر باشد نشان دهنده‌ی پایین بودن کیفیت گزارشگری مالی است.

متغیر مستقل: تخصص صنعت حسابرسان^۱ (AIS)

حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند، به دلیل داشتن توانایی بیش تر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت، می توانند حسابرسی را با کیفیت بیشتری انجام دهند. افزون بر این، هرچه مؤسسه حسابرسی تجربه بیشتری در صنعت خاصی کسب کند، به دلیل افزایش حسن شهرت، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت برتر پیدا می کند (دان و می هیو، ۲۰۰۴). حسابرسان متخصص، به دلیل برخورداری از دانش تخصصی از شرایط صنعت صاحبکار، توانایی بیشتری در ارائه حسابرسی با کیفیت تر برای کاهش ریسک اطلاعاتی دارند. با افزایش تخصص حسابرسان، توانایی او برای درک مشکلات صنعتی که صاحبکار در آن فعالیت می کند، افزایش می یابد و موجب می شود گزارش های مالی و اطلاعات حسابداری مطلوب تری ارائه شود. در این پژوهش از سهم بازار برای اندازه گیری تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی استفاده شده است، زیرا اولویت صنعت را نسبت به دیگر حسابرسان نشان می دهد. هرچه سهم بازار مؤسسه حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه آن نسبت به دیگر رقبا بیشتر است. سهم بازار مؤسسه حسابرسی از رابطه زیر محاسبه می شود:

در این تحقیق، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه گیری تخصص صنعت حسابرسان استفاده می شود. زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می دهد. هرچه سهم بازار حسابرسان بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرسان نسبت به سایر رقبا بالاتر است. سهم بازار حسابرسان نیز به شرح زیر محاسبه می شود:

$$\text{سهم بازار حسابرسان} = \frac{\text{مجموع فروش های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص}}{\text{مجموع فروش های صاحبکاران کل آن صنعت}}$$

$$\left(\frac{1}{FN}\right) \times \left(\frac{1}{2}\right) < \left(\frac{SR}{SRT}\right)$$

SR:	مجموع فروش های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص
SRT:	مجموع فروش های صاحبکاران کل آن صنعت
FN:	تعداد شرکت های موجود در یک صنعت

با پیروی از پالم رز^۲، موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازار آنها یعنی (معادله سمت راستی) بیش از معادله یک بر روی تعداد شرکت های موجود در یک صنعت (FN) ضرب بر یک تقسیم بر دو یعنی (معادله سمت چپی) باشد.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (Size): از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود.
 اهرم مالی (Lev): از طریق نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها اندازه گیری می شود.
 سرمایه گذاران نهادی (Instit): از طریق مجموع سهامداران بیش از ۵ درصد اندازه گیری شده است.
 بازده دارایی ها (ROA): از طریق نسبت سود خالص بر کل دارایی ها اندازه گیری شده است.

¹ Auditor Industry Specialization

² Palmros

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی می باشد. از جهت نوع طرح تحقیق، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی است. در این نوع تحقیق‌ها، هدف بررسی روابط موجود بین متغیرها است و داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته‌اند و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت مستقیم پژوهش‌گر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. به منظور تحلیل داده‌های بدست آمده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بدین ترتیب که برای توصیف داده‌ها از جدول توزیع فراوانی و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمونهای اف لیمر، هاسمن استفاده می‌شود.

برای انتخاب جامعه آماری به کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رجوع شده است چون اطلاعات شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط حسابداران رسمی، حسابرسی می شود چون دسترسی به این اطلاعات نسبت به سایر شرکتهای راحت تر است. بنابراین، جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و دوره مورد بررسی نیز سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ می‌باشد و شرکتهایی که دارای ویژگی‌های زیر بوده، به عنوان نمونه انتخاب شده اند:

- به دلیل افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکتهای منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - شرکتهای مورد نظر جزو بانکها و واسطه‌گری مالی، لیزینگ، هلدینگ و سرمایه‌گذاری نباشند.
 - شرکتهای نیابستی سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشد.
 - اطلاعات مالی شرکتهای مورد بررسی به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.
 - شرکتهای مورد بررسی در بازه زمانی پژوهش از بورس خارج نشده باشد.
- در این پژوهش با اعمال محدودیتهای فوق ۱۲۷ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	۷۶۲	-۰,۱۴۱	-۰,۶۳۳	-۰,۰۰۰۲	۰,۰۹۳
اندازه شرکت	size	۷۶۲	۱۴,۵۹۶	۱۹,۷۷۳	۱۰,۴۳۲	۱,۵۳۹
اهرم مالی	Lev	۷۶۲	۰,۸۹۶	۰,۹۶	۰,۰۶	۰,۱۴۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۷۶۲	۰,۱۳۶	۰,۶۳۹	-۰,۲۳	۰,۱۷۴
سرمایه‌گذاران نهادی	Instit	۷۶۲	۰,۷۴۱	۰,۹۵	۰,۱۱۲	۰,۱۷۹

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر کیفیت گزارشگری مالی برابر با (-۰,۱۴۱) می‌باشد و برای بازده دارایی‌ها برابر با ۰,۱۳ می‌باشد. به‌طورکلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای اندازه شرکت برابر با ۱,۵۳۹ و برای متغیر کیفیت گزارشگری مالی برابر است با ۰,۰۹۳ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را

در هر متغیر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین مقدار اهرم مالی برابر با ۰,۹۶ است. متغیر تخصص حسابرس در صنعت یک متغیر کیفی می‌باشد که جدول توزیع فراوانی این متغیر در جدول ۲ ارائه می‌شود.

جدول ۲: توزیع فراوانی متغیر تخصص حسابرس در صنعت

شرح	فراوانی	درصد فراوانی
۰	۲۶۶	۳۴,۹۱
۱	۴۹۶	۶۵,۰۹
جمع کل	۷۶۲	۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۲، قابل مشاهده است، جمع کل شرکت - سال‌های مورد بررسی برابر با ۷۶۲ می‌باشد که از بین آن‌ها تعداد ۴۹۶ شرکت-سال یعنی ۶۵,۰۹ درصد شرکت‌ها دارای تخصص حسابرس در صنعت و ۲۶۶ شرکت - سال معادل ۳۴,۹۱ درصد شرکت‌ها فاقد تخصص حسابرس در صنعت می‌باشند.

آزمون مانایی متغیرها

مطابق ادبیات اقتصادسنجی لازم است قبل از برآورد مدل، مانایی متغیرها بررسی گردد. برای بررسی وجود ریشه واحد در داده‌های پانل، می‌توان از آزمون لوین لین و چو استفاده کرد که نتایج آن به‌صورت جدول ۳ عرضه می‌گردد.

جدول ۳: آزمون مانایی (لوین، لین و چو) برای تمامی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	-۱۷,۶۳۴	۰,۰۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	size	-۱۱,۳۸۰	۰,۰۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	Lev	-۱۷,۳۶۱	۰,۰۰۰۰	مانا است
بازده دارایی‌ها	Roa	-۱۳,۱۶۸	۰,۰۰۰۰	مانا است
سرمایه‌گذاران نهادی	Instit	-۱۸,۶۴۳	۰,۰۰۰۰	مانا است

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرها در آزمون مانایی همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون اف لیمر (چاو)

این آزمون برای تشخیص بین الگوهای اثرات معمولی (pool) و داده‌های تابلویی (panel) صورت می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون اف لیمر برای مدل پژوهش بدین شرح می‌باشد:

جدول ۴: نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۹,۲۳۱	۰,۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی

نتایج حاصل در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون برای مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی (پانل) می‌باشد.

آزمون هاسمن

در صورتی که میزان معناداری آماره‌ی چاو (prob) کمتر از سطح ۰,۰۵ باشد ساختار داده‌ای panel انتخاب می‌شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۱۷,۳۹۲	۰,۰۰۰۰	اثرات ثابت عرض از مبدأ

نتایج حاصل در جدول ۵ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون در مدل کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش اثرات ثابت می‌باشد.

آزمون ناهمسانی واریانس

اگر خطاهای رگرسیون ناهمسان باشند اما محقق بدون در نظر گرفتن این موضوع به فرایند برآورد و استنباط ادامه دهد در این حالت، انحراف معیار می‌تواند اشتباه باشد و بنابراین هرگونه استنباطی که صورت گرفته، می‌تواند گمراه‌کننده باشد بنابراین از آزمون والد تعدیل‌شده برای بررسی ناهمسانی واریانس جملات اخلاص استفاده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۲۴۶۸,۳۹	۰,۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد

نتایج حاصل در جدول ۶ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون در مدل کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص می‌باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور `gls` رفع شده است.

نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد: تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت دارد.

جدول ۷: نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی						
$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Instit_{it} + U_{it}$						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	هم خطی
تخصص صنعت حسابرس	AIS_{it}	۰,۰۶۹	۰,۰۰۹	۷,۷۴۹	۰,۰۰۰	۱,۲۲
اندازه شرکت	$size_{it}$	۰,۰۱۸	۰,۰۱۵	۱,۱۶۴	۰,۲۴۵	۱,۳۱
اهرم مالی	Lev_{it}	-۰,۱۳۹	۰,۰۹	-۱,۵۴۶	۰,۱۲۲	۱,۷۰
بازده دارایی‌ها	ROA_{it}	۰,۷۶۸	۰,۹۰۹	۰,۸۴	۰,۳۹۸	۱,۰۹
سرمایه‌گذاران نهادی	$Instit_{it}$	۰,۱۲	۰,۰۵	۲,۳۶۱	۰,۰۱۸	۱,۰۲
C		۰,۱۴۴	۰,۳۳۶	۰,۴۳	۰,۶۶۶	---
ضریب تعیین	۲۷ درصد					
آماره والد	۵۶,۶۴					
سطح معناداری	۰,۰۰۰۰					
خودهمبستگی سریالی	۰,۰۰۰۰					

با توجه به جدول ۷، مشاهده می‌شود که متغیر تخصص صنعت حسابرس دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از پنج درصد می‌باشد بنابراین می‌توان گفت تخصص صنعت حسابرس بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مستقیم و معنادار دارد و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود. متغیر کنترلی سرمایه گذاران نهادی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب مثبت می‌باشد بنابراین تأثیر مستقیم بر متغیر وابسته دارد. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشند بنابراین تأثیر معناداری با متغیر وابسته ندارند. ضریب تعیین برابر با ۲۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۵۶٫۶۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. مقدار سطح معناداری آزمون والد ریج برای بررسی خودهمبستگی سریالی کمتر از ۵ درصد (۰٫۰۰۰۰) است که نشان می‌دهد بین خطاهای مدل همبستگی وجود داشته است که در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور Auto Correlation رفع شده است.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که تعداد ۱۲۷ شرکت و در بازه زمانی ۶ ساله بین سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. یک فرضیه در این پژوهش مطرح گردید که پس از بررسی و آزمون‌های مربوط به فرضیه مشخص گردید که تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد و این تأثیر مستقیم و معنادار است. یعنی در شرکت‌های عضو نمونه اگر حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسانی انجام پذیرد که دارای تخصص لازم در صنعت هستند منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر با استفاده از سایر مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی انجام شده و نتایج مقایسه گردد و همچنین می‌توان پژوهش حاضر را در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت انجام داده و با نتایج این پژوهش مقایسه کرد و نیز انجام پژوهش حاضر در صنایع مختلف و مقایسه نتایج پژوهش. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه پژوهش به شرکت‌ها توصیه می‌شود برای انجام حسابرسی صورت‌های مالی از حسابرسان متخصص در صنعت استفاده کنند و به سرمایه‌گذاران و سهامداران برای سرمایه‌گذاری و خرید سهام به موسسه حسابرسی طرف قرارداد شرکت و تخصصی که در صنعت مورد نظر دارند توجه ویژه نمایند.

منابع

- ✓ عزیز پور شیر سوار، محسن، (۱۳۹۵)، ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، شماره ۲۵، صص ۸۸-۱۰۵.
- ✓ فرج زاده دهکردی، حسن، آقایی، لیلا، (۱۳۹۴)، سیاست تقسیم سود و گزارشگری مالی متقلبان، مطالعات تجاری حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۹۷-۱۱۴.
- ✓ کاردان، بهزاد، صالحی، مهدی، کلاته، حسین، (۱۳۹۵)، رابطه بین اظهارنظر حسابرس، اقلام تعهدی اختیاری و ریسک مالی، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۱۱۱-۱۲۵.
- ✓ کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، (۱۳۸۸)، استانداردهای حسابداری، تهران: سازمان حسابرسی.
- ✓ مهران، ساسان، مرادی، محمد، نخعی، منصور، مطمئن، محسن، (۱۳۹۲)، نقش ویژگی‌های حسابرس در کیفیت سود، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، صص ۹۳-۱۰۸.

- ✓ Carcello, J. and Neal, T. (2003) Audit committee characteristics and auditor dismissals following 'new' going-concern reports, *The Accounting Review*, 78(1), pp. 95–117.
- ✓ Dechow, P. M.; Sloan, R. G and A. P. Sweeney (1995). Detecting Earnings Management, *Accounting Review*, Vol. 70, No, 2, PP. 193–225.
- ✓ DeFond, M. L. (2010). Earnings quality research: Advances, challenges and future research. *Journal of Accounting and Economics*, 402–409.
- ✓ Ferguson, A., and D. Stokes. (2002). "Brand name audit pricing, industry specialization and industry leadership premiums post Big 8 and Big 6 mergers" *Contemporary Accounting Research*, 19: 77-110.
- ✓ Gramling, A. A. and D. N. Stone (2001). "Audit Firm Industry Expertise: A Review and Synthesis of the Archival Literature", *Journal of Accounting Literature*, Vol. 20, No. 1, pp. 1-29.
- ✓ Johnson, T. (2005). Relevance and Reliability Article from the FASB Report Feb. 28.
- ✓ Kamaruzaman, A.J., Mazlifa, M.D. and Maisarah, A.R. (2009). "The Association between Firm Characteristics and Financial Statements Transparency: the Case of Egypt". *International Journal of Accounting*, 18(2): 211-223.
- ✓ Kend, M., (2008), "Client Industry Audit Expertise: Towards A Better Understanding", *Pacific Accounting Review*, Vol. 20, PP. 49-62.
- ✓ Krishnan, J., Wen, Y., & Zhao, W. (2011). Legal Expertise on Corporate Audit Committees and Financial Reporting Quality. *The Accounting Review* Vol. 86, No. 6 , 2099–2130.
- ✓ Tendello B. & A. Vanstraelen. (2008). Earnings Management and Audit Quality in Europe: From the Private Client Segment, *European Accounting Review*, Vol. 17, No. 3, pp. 447-469.